

ابزارهای تأمین مالی و آزادسازی نرخهای سود

جناب آقای اسداله امیراصلانی*

مقدمه

گزارش حاضر با عنوان "ابزارهای تأمین مالی و آزادسازی نرخهای سود"، در شش بخش تهیه شده است. گزارش در بخش اول به تشریح ابزارهای تأمین مالی در قانون عملیات بانکی بدون ربا پرداخته است. در این بخش ابزارهای مالی بلند مدت و کوتاه مدت به تفکیک مورد بررسی قرار گرفته‌اند و کاربرد هر یک از آنها در اعطای تسهیلات کوتاه مدت و بلند مدت مشخص گردیده است. بخش دوم کاربرد و هدف تعیین حداقل و حداکثر نرخ سود مورد نظر در اعطای تسهیلات بانکی و نحوه اعمال سیاستهای پولی با استفاده از حداقل نرخ سود مورد انتظار و سوق منابع بانکی به بخشهای مورد نظر را بررسی نموده است. بخش سوم در مورد نحوه تعیین سود در مقررات قانون عملیات بانکی بدون ربا بحث و بررسی می‌نماید، بر اساس مقررات قانون عملیات بانکی بدون ربا و آئین‌نامه‌های اجرایی مربوط منافع حاصل از معاملات بانک بین بانک و سپرده‌گذاران متناسب با مدت و مبلغ سپرده‌های سرمایه‌گذاری تقسیم خواهد شد و به هیچ یک از سپرده‌های دریافتی، رقم تعیین شده‌ای را تحت عنوان "سود" پرداخت نمی‌نماید و سود سپرده‌ها پس از تصویب صورتهای مالی بانکها مشخص می‌شود.

بخش چهارم به بیان تاریخچه و دلایل معرفی نرخ علی‌الحساب سود پرداختی به سپرده‌گذاران اختصاص یافته است. بر اساس موارد مذکور در این بخش نرخ مزبور که از سال ۱۳۶۹ معرفی شده است صرفاً برای تسهیل امور سپرده‌گذاران انجام شده و طی سالهای قبل که این نرخ معرفی نشده بود، عدم وجود آن تأثیری در روند کار بانکها و محاسبه میزان سود قطعی سپرده‌ها نداشته است.

بخش پنجم - محدودیت‌های استفاده از ابزارهای پیش‌بینی شده در قانون عملیات بانکی

بدون ربا را مورد بررسی قرار داده است و مشکلات مربوط به نحوه اعطای این قبیل تسهیلات و تأثیر آن در سود عملکرد بانکها و نهایتاً سود سپرده گذاران را بیان نموده است.

بخش ششم - گزارش در این فصل با بهره گیری از موارد مندرج در سایر بخشها اعلام داشته است اصولاً نرخهای سود در قانون عملیات بانکی بدون ربا برخلاف تلقی عمومی آزاد است و آزادسازی نرخهای سود به شرح مندرج در عناوین سمینار مفهومی ندارد.

بخش اول

ابزارهای تأمین مالی در قانون عملیات بانکی بدون ربا

ابزارهای تأمین مالی در قانون عملیات بانکی بدون ربا را می توان به دو دسته تقسیم کرد:

الف : ابزارهای مالی بلند مدت

الف ۱ - مشارکت حقوقی

مشارکت حقوقی عبارتست از تأمین قسمتی از "سرمایه" شرکتهای سهامی جدید و یا خرید قسمتی از سهام شرکتهای موجود. بانکها می توانند به منظور گسترش فعالیت بخشهای مختلف تولیدی و ایجاد و راه اندازی واحدهای تولیدی از این ابزار استفاده نمایند.

الف ۲ - سرمایه گذاری مستقیم

سرمایه گذاری مستقیم عبارتست از تأمین سرمایه لازم جهت اجرای طرحهای تولیدی و طرحهای عمرانی انتفاعی توسط بانکها.

همانگونه که ملاحظه می شود ابزارهای مشارکت حقوقی و سرمایه گذاری مستقیم دقیقاً بجای اعتبارات بلند مدت در بانکداری بین المللی قرار می گیرد. این قبیل تسهیلات قبل از اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا نیز در نظام بانکی کشور برای تأمین سرمایه لازم جهت اجرای طرحهای عمرانی انتفاعی و ایجاد و راه اندازی واحدهای تولیدی در بخشهای مختلف اقتصادی در تأمین مالی بلند مدت بخش تولید و صنعت مورد استفاده قرار می گرفت.

الف ۳ - فروش اقساطی و اجاره بشرط تملیک نیز برای تأمین مالی بلند مدت در بخش تولید مسکن و ایجاد مکانهای تولیدی و خدماتی استفاده می شود. بانکها می توانند واحدهای مسکونی و مکانهای تولیدی و خدماتی احداث شده را به صورت فروش اقساطی بلند مدت به فروش برسانند. همچنین تولید در بخش مسکن و ایجاد مکانهای تولیدی به عنوان موجر مبادرت به معاملات اجاره به شرط تملیک نمایند مشروط بر آن که مستأجر در پایان مدت اجاره عین مستأجره را مالک گردد.

فروش اقساطی که در واقع از ابزار تأمین مالی کوتاه مدت است، صحیح نیست که در طرح‌های بلند مدت مورد استفاده قرار گیرد. با توجه به سیاست‌های پولی بانکها وظیفه دارند بخش عمده‌ای از منابع خود را در تسهیلات مسکن با نرخ معینی در تاریخ معینی به مدت ده یا بیست سال واگذار نمایند. بانک که واسطه وجوه است در زمان واگذاری تناسبی را بین سود مورد انتظار سپرده‌گذاران و نرخ فروش اقساطی برقرار می‌کند ولی در طول مدت معامله سود مورد انتظار سپرده‌ها (منابع) تغییر می‌کند و فروش اقساطی چون معامله قطعی است غیر قابل تغییر است. آزادسازی نرخ در تسهیلات مسکن به ادامه مشارکت مدنی بانک و فروش تدریجی سهم شرکت به مشتری بطور اقساط کوتاه مدت است مثلاً ۱۰٪ سهم شرکت در اقساط ۱۲ ماهه.

ب : ابزارهای مالی کوتاه مدت

ب-۱ مشارکت مدنی: عبارتست از درهم آمیختن سهم شرکت نقدی و یا غیر نقدی اشخاص حقیقی و یا حقوقی متعدد به نحو مشاع به منظور انتفاع طبق قرارداد. بانکها می‌توانند به منظور ایجاد تسهیلات لازم برای فعالیتهای تولیدی، بازرگانی و خدماتی از این ابزار استفاده نمایند. در مقررات مورد عمل بانکها از این ابزار بصورت کوتاه مدت برای گسترش امر مسکن (احداث) و ایجاد، فعالیتهای تولیدی و بازرگانی و خدماتی استفاده می‌نمایند.

ب-۲ مضاربه: قراردادی است که به موجب آن یکی از طرفین (مالک) عهده‌دار تأمین سرمایه (نقدی) می‌گردد. با قید این که طرف دیگر (عامل) با آن تجارت کرده و در سود حاصله شریک باشد. بانکها می‌توانند به منظور ایجاد تسهیلات لازم جهت گسترش امور بازرگانی به عنوان مالک، سرمایه نقدی (منابع) لازم را در اختیار عامل اعم از شخص حقیقی یا حقوقی قرار دهند.

ب-۳ معاملات سلف: یا پیش خرید محصولات تولیدی به قیمت معین.

بانکها می‌توانند به منظور ایجاد تسهیلات لازم جهت تأمین سرمایه در گردش واحدهای تولیدی، بنا به درخواست اینگونه واحدها مبادرت به پیش خرید محصولات تولیدی آنها بنمایند.

ب-۴ جعاله: عبارتست از التزام شخص «جاعل» یا «کارفرما» به ادای مبلغ یا اجرت معلوم در مقابل انجام عملی معین، طبق قرارداد.

بانکها می‌توانند به منظور ایجاد تسهیلات لازم برای گسترش امور تولیدی، بازرگانی و خدماتی با تنظیم قرارداد به عنوان «عامل» یا عندالاقضا به عنوان «جاعل» مبادرت به جعاله نمایند. با استفاده از این ابزار می‌توان انواع قراردادهای پیمانکاری در بخش خدمات و تولید را

اعم از کوتاه مدت و بلند مدت تأمین نمود.

ب- ۵ فروش اقساطی جهت تأمین سرمایه در گردش واحدهای تولیدی، این ابزار جهت تأمین سرمایه در گردش واحدهای تولیدی، مواد اولیه، لوازم یدکی و ابزار کار مصرفی و سایر نیازهای اولیه این واحدها بسیار مناسب می باشد.

ب- ۶ فروش اقساطی وسایل تولید، ماشین آلات و تأسیسات، اموال موضوع این ابزار ماشین آلات و تأسیساتی می باشد که طول عمر مفید آنها بیش از یکسال باشد.

بانکها می توانند به منظور ایجاد تسهیلات لازم جهت گسترش امور صنعت و معدن، کشاورزی و خدمات بنا به درخواست مشتریان اموال مورد نظر را خریداری و به صورت اقساطی به متقاضی به فروش برسانند.

بخش دوم

کاربرد و هدف تعیین حداقل و حداکثر نرخ سود مورد انتظار در اعطای تسهیلات بانکی

آنچه توسط شورای پول و اعتبار تحت عنوان "نرخهای سود مورد انتظار" و نرخهای سودهای قطعی در بخشهای مختلف اقتصادی مطرح و تعیین می شود، به منظور برآورد کارشناسی طرحهای متقاضی استفاده از تسهیلات بانکی است که باید توسط بانک ارزیابی شوند و میزان سودآوری آنها مشخص گردد. اگر سود برآوردی از حداقل نرخ سود مورد انتظار بیشتر باشد اعطای تسهیلات برای اجرای طرح مزبور از نظر بانک بلامانع است.

نازل بودن حداقل نرخ سود مورد انتظار در یک بخش به طرحهای با سودآوری کمتر فرصت می دهد از تسهیلات بانکی در بخش بهره مند شوند و بدین ترتیب سوق منابع بانکی به بخش مورد نظر تسهیل گردد. در سیاستهای انقباضی بر عکس، بالا بودن حداقل نرخ سود مورد انتظار موجب خواهد شد تسهیلات بانکی در آن بخش به طرحهای با سودآوری بیشتر تخصیص یابد و طرحهای با سودآوری کمتر نتوانند از تسهیلات بانکی استفاده نمایند و سرمایه گذاری در آن بخش محدودتر و در نتیجه طرحهای کمتری از طریق منابع بانکی تأمین مالی گردد. در واقع سیاست گذار با تعیین نرخهای متفاوت برای حداقل نرخ سود مورد انتظار در بخشهای مختلف، اولویت بخشها را مشخص می نماید.

جدول صفحه بعد نرخ سود مورد انتظار در بخشهای مختلف طی سالهای ۱۳۸۰-۱۳۶۳ را نشان می دهد.

نرخهای سود مورد انتظار تسهیلات اعطائی بانکها در بخشهای مختلف اقتصادی طی سالهای ۱۳۷۸-۱۳۶۳

بخش اقتصادی	۱۳۶۳	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۷۳ و ۷۲	۷۶، ۷۵، ۷۴	۷۸ و ۷۷	۱۳۷۹	۱۳۸۰
کشاورزی	۴،۸	۶،۹	۶،۹	۹	۱۲،۱۶	۱۳،۱۶	۱۳،۱۶	۱۳،۱۶	۱۵،۱۴
صنعت و معدن	۶،۱۲	۱۱،۱۳	۱۱،۱۳	۱۳	۱۶،۱۸	۱۷،۱۹	۱۷،۱۹	۱۷،۱۹	۱۸،۱۶
ساختمان و مسکن	۸،۱۲	۱۲،۱۴	۱۲،۱۶	۱۲،۱۶	۱۵	۱۵،۱۶	۱۸،۱۹	۱۸،۱۹	۱۹،۱۵
بازرگانی	۸،۱۲	۱۷،۱۹	بیلا و ۱۸	بیلا و ۱۸	۱۸،۲۴	۲۲،۲۵	۲۲،۲۵	۲۲،۲۵	۲۳
خدمات	۱۰،۱۲	۱۷،۱۹	بیلا و ۱۸	بیلا و ۱۸	۱۸،۲۴	۲۲،۲۵	۲۲،۲۵	۲۲،۲۵	۲۳
صادرات	—	—	—	—	۱۸	۱۸	۱۸	۱۸	۱۸

همانگونه که ملاحظه می شود، شورای پول و اعتبار با تعیین نرخهای فوق در واقع سرمایه گذاری در بخش کشاورزی، ساختمان و مسکن و صنعت و معدن را به ترتیب در اولویت قرار داده است.

- * مسکن در قالب الگوی مسکن ۱۷ درصد
- * مسکن در خارج از الگوی مسکن ۱۹ درصد
- * صندوق پس انداز مسکن بانک مسکن در قالب الگوی مسکن ۱۵ درصد
- * صندوق پس انداز مسکن بانک مسکن در خارج از الگوی مسکن ۱۶ درصد

بخش سوم

نحوه تعیین سود در قانون بانکی بدون ربا

بر اساس مقررات قانون عملیات بانکی بدون ربا و آئین‌نامه اجرایی مربوط، بانکها موظفند، بر مبنای نرخها و نسبت‌های اعلام شده توسط شورای پول و اعتبار به تخصیص منابع مالی مبادرت نمایند. نرخ سود مورد انتظار برای انتخاب طرحهای سرمایه‌گذاری و مشارکت و بازده احتمالی سایر انواع تسهیلات اعطائی بانکی. حداقل و حداکثر نسبت سهم سود بانکها در مشارکت و مضاربه برای تعیین میزان نسبت سود بانکها در این عملیات. حداقل و حداکثر نسبت سود بانکها در معاملات اقساطی و اجاره به شرط تملیک برای محاسبه سود عملیات مذکور و منافع حاصله از معاملات، بین بانک و سپرده‌گذار متناسب با مدت و مبالغ سپرده‌های سرمایه‌گذاری و رعایت سهم منابع بانک به نسبت مدت و مبلغ در کل و جوه بکار گرفته شده در این عملیات تقسیم خواهد شد. ضمن آنکه بانکها در تأمین منابع لازم جهت تسهیلات اعطائی بایستی اولویت را به منابع سپرده‌گذاران بدهند و در صورتی که مجموع تسهیلات اعطائی کمتر و یا مساوی مجموع سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار، پس از وضع سپرده‌های قانونی مربوط باشد، تمام منافع بین سپرده‌گذاران تقسیم خواهد شد و بانک صرفاً می‌تواند مبلغی به عنوان حق‌الوکاله بابت مدیریت بکارگیری سپرده‌های سرمایه‌گذاری از صاحبان سپرده دریافت نماید. و در صورتی که مجموع تسهیلات اعطائی بانکها برای این امور بیشتر از مجموع سپرده‌ها باشد، مابه‌التفاوت سهم منابع بانک محسوب خواهد شد. بدین ترتیب بانکها به هیچ یک از سپرده‌های دریافتی تحت عنوان "سود سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار" رقم تعیین شده‌ای را به عنوان "سود" پرداخت نمی‌نمایند.

بخش چهارم

تاریخچه و دلایل معرفی نرخ علی‌الحساب سود پرداختی

به سپرده‌گذاران نظام بانکی کشور

همانگونه که در بخش سوم تشریح گردید، با تصویب و اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا در سال ۱۳۶۳، سود قطعی سپرده‌های سرمایه‌گذاری ناشی از بکارگیری منابع بانک و سپرده‌گذاران در فعالیتهای اقتصادی، پس از اتمام سال و تصویب صورتهای مالی بانک به نسبت مدت و مبلغ در کل و جوه بکار گرفته شده در این عملیات بین سپرده‌گذاران و بانک قابل تقسیم می‌باشد. تا سال ۱۳۶۸ هیچگونه وجهی در طی سال به عنوان سود علی‌الحساب به سپرده‌گذاران پرداخت نمی‌شد. و سود سپرده‌ها سالی یکبار به آنان پرداخت می‌گردید.

این امر بخصوص سپرده‌گذارانی را که سود مزبور تنها درآمد آنها را تشکیل می‌داد با مشکلات مالی مواجه می‌نمود. ضمن آنکه سپرده‌گذاران هیچ تصویری از سودآوری سپرده‌های خود که بابت کسب سود نزد بانک تودیع کرده‌اند نداشتند. برای رفع مشکلات مزبور در سال ۱۳۶۹ در جلسات متعدد شورای پول و اعتبار مقرر گردید که سهم سود انواع سپرده‌های سرمایه‌گذاری (اعم از بلند مدت و کوتاه مدت) بر اساس ضوابط مطروحه محاسبه و هر سه ماه یکبار پرداخت گردد.

و تأکید شده است که پرداخت سود مذکور بطور علی‌الحساب بوده و تسویه حساب نهایی با سپرده‌گذاران پس از تصویب صورتهای مالی به عمل خواهد آمد. لذا در سال ۱۳۶۹ برای اولین بار بانکها مجاز شدند بر اساس نرخهای مصوب شورای پول و اعتبار هر سه ماه یکبار سود را بطور علی‌الحساب در اختیار صاحبان سپرده قرار دهند. جدول صفحه بعد نرخ سود علی‌الحساب و قطعی سپرده‌های سرمایه‌گذاری بلندمدت راطی سالهای ۱۳۸۰ - ۱۳۶۹ نشان می‌دهد.

همانگونه که ملاحظه می‌شود، نرخ مذکور، طی سالهای مورد اشاره تغییرات محسوسی نداشته و در نهایت سود علی‌الحساب پرداخت شده از سال ۱۳۷۴ به بعد سود قطعی تلقی شده است. در واقع معرفی این نرخ صرفاً برای تسهیل امور سپرده‌گذاران انجام شده و طی سالهای ۱۳۶۳ تا ۱۳۶۹ که این روش ابداع نشده بود، عدم وجود آن تأثیری در روند کار بانکها برای جذب منابع نداشته است. گو اینکه در همان سالها نیز بانکها با لحاظ سیاستهای پولی در جهت تحکیم نظام بانکی و اطمینان از جذب مازاد درآمدهای مردمی و تخصیص آن در بخشهای اقتصادی سالانه علاوه بر سود واقعی مبلغی اضافه بر سپرده‌گذاران پرداختند ولی در عمل برای اجتناب از شبهه سود ثابت و بهره، در صدی از آن را به هنگام قطعی کردن سود اعلام کردند. بعد از سه ماهه و ماهانه کردن سود علی‌الحساب و ثابت ماندن آن در طول چند سال توسط اکثریت بالای مردم و حتی تصمیم‌گیران اقتصادی این نرخ بجای بهره نشست با همان نقش و اثر در محاسبات رشد اقتصادی و انگیزه و یا عدم انگیزه در سرمایه‌گذاری و سایر امور مرتبط با آن. متقابلاً نرخهای حداکثری که توسط شورای پول و اعتبار در اعطای تسهیلات برای بعضی از روشهای معاملاتی وضع گردید، بانکها را به روش اعطاء اعتبار بر مبنای بهره نزدیک کرد. بنابراین کل نظام بانکی بدون ربا در تلقی مردم مشابه نظام مبتنی بر بهره شد. چنانچه در سیاستهای پولی برای تخصیص منابع فقط حداقلهای مورد انتظار تعیین شود و حداکثر بر مبنای قراردادهای و اقتضاء

نرخ سود علی الحساب و قطعی سپرده های سرمایه گذاری بلند مدت

۱۳۶۹ - ۱۳۸۰

۱۳۸۰	۱۳۷۹		۱۳۷۸		۱۳۷۷		۱۳۷۶		۱۳۷۵		۱۳۷۴		۱۳۷۳		۱۳۷۲		۱۳۷۱		۱۳۷۰		۱۳۶۹		
	نرخ مربوط	نرخ مربوط	نرخ مربوط	نرخ مربوط	نرخ مربوط	نرخ مربوط	نرخ مربوط	نرخ مربوط	نرخ مربوط	نرخ مربوط	نرخ مربوط	نرخ مربوط	نرخ مربوط	نرخ مربوط	نرخ مربوط	نرخ مربوط	نرخ مربوط	نرخ مربوط	نرخ مربوط	نرخ مربوط	نرخ مربوط	نرخ مربوط	
-	۱۳	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴	۱۱	۱۱/۵	۱۱	۱۱	۹/۵	۹	۸/۷۵	۹	۸/۷۵	۹	۸/۷۵
-	-	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۳	۱۳/۵	۱۳	۱۳	۱۱	۱۱/۵	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	
-	-	۱۶	۱۶	۱۶	۱۶	۱۶	۱۶	۱۶	۱۶	۱۶	۱۶	۱۶	۱۴	۱۴/۵	۱۴	۱۴	۱۲/۲۵	۱۱/۵	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	
-	۱۷	۱۸/۵	۱۸/۵	۱۸/۵	۱۸/۵	۱۸/۵	۱۸/۵	۱۸/۵	۱۸/۵	۱۸/۵	۱۸/۵	۱۸/۵	۱۶	۱۵/۵	۱۶	۱۵/۵	۱۴/۵	۱۴/۵	۱۴/۵	۱۴	۱۴	۱۳	۱۳

به منظور ایجاد انگیزه و رقابت بین بانکها به بانکها آزادی عمل داده شده است که نرخ های سود علی الحساب سپرده های سرمایه گذاری ۳۰ ساله را در محدوده ۱۳ تا ۱۷/۵ درصد راساً تعیین نمایند.

کشور تحصیل گردد و همان سود طبق مقررات به سپرده گذاران تخصیص یابد. این سوء تفاهم در تلقی از نظام بانکی بدون بهره منتفی می شود چنانچه بر مبنای سیاستهای پولی در تحقق اهداف برنامه علاوه بر سود حاصل پرداخت یارانه لازم باشد باید برای همه بانکها یک درصد مشخص مثلاً دو درصد تعیین شود که بانک بتواند علاوه بر سود واقعی از سایر درآمدهای خود به سپرده گذاران بپردازد بنابراین تمام بانکها درصد سود مساوی و همسان پرداخت نخواهند کرد و تلقی نرخ ثابت منتفی و بین بانکها نیز رقابت واقعی ایجاد می شود. خوشبختانه نمونه عینی که برای اولین بار تحقق یافت سود واقعی بانک مسکن بود که در سال ۱۳۷۸ بیشتر از سود علی الحساب پرداختی حاصل شد و این بانک مطابق قانون توانست تا نرخ ۲۲/۵ درصد به سپرده گذاران بلندمدت و کوتاه مدت خود سود پرداخت نماید. و آثار آن در رشد سپرده های این بانک در رقابت با سایر بانکها در ارقام صورت وضعیتها مشخص است.

بخش پنجم

محدودیت های استفاده از برخی ابزارهای پیش بینی شده

در قانون عملیات بانکی بدون ربا

یکی از مهمترین محدودیتهای استفاده از ابزارهای قانون عملیات بانکی بدون ربا تحمیل تسهیلات تکلیفی بر بانکها است. که همه ساله در قالب تبصره های قوانین بودجه سنواتی اعمال می شود. علاوه بر آنها موارد دیگری نیز از این قبیل تسهیلات، به عهده بانکهاست که به موجب قوانین خاص مانند "قانون تأمین مسکن فرهنگیان و کارکنان آموزش و پرورش" و "قانون احداث پروژه های عمرانی بخش راه و ترابری از طریق مشارکت بانکها و سایر منابع مالی و پولی کشور" بر بانکها تکلیف می شود. حجم تسهیلات تکلیفی تا سال ۱۳۶۷ نسبتاً محدود بود ولی از سال ۱۳۶۸ سیر صعودی بخود گرفت و همه ساله بر شتاب آن افزوده شد، بطوریکه طی دوره ۱۳۷۶ - ۱۳۶۷ تعداد تبصره ها از (۳) تبصره به (۱۷) تبصره افزایش یافت. افزایش تسهیلات تکلیفی طی سالهای ۱۳۷۵ و ۱۳۷۶ به گونه ای بوده است که رسوب این تسهیلات به صورت افزایش در مانده تسهیلات در حدود سقفهای مصوب قوانین بودجه سالهای مزبور برای سقف تسهیلات بانکی قابل واگذاری توسط بانکهای تجاری و تخصصی کشور به بخش دولتی، خصوصی و تعاونی، تعیین شده است. بدین ترتیب بانکها برای اعطای تسهیلات غیر تکلیفی مجوزی نداشتند. اگرچه در سال ۱۳۷۷ تغییرات عمده ای در سیاستهای مربوط به تسهیلات تکلیفی بوجود آمد و کلیه تبصره های تکلیفی در قالب تبصره (۳) در قانون بودجه مطرح شد لکن با توجه به تنگناها و وقوع مشکلاتی از قبیل خشکسالی، سیل و سایر حوادث غیر مترقبه هم چنان حجم معتنا به

تسهیلات مزبور آزادی عمل بانکها را در اعطای تسهیلات محدود نموده و روند عادی و اجرای صحیح قانون عملیات بانکی بدون ربا را مختل ساخته است و از آنجا که شرط اصلی برای حداکثر بهره‌برداری از امکانات بالقوه، استفاده بهینه از منابع محدود می‌باشد، برای تحقق این شرط ضروری است منابع مالی ناشی از پس‌اندازهای مردم به طرحهایی اختصاص یابد که دارای بالاترین بازده هستند لکن تسهیلات تکلیفی مجموعه‌ای از اهداف مختلف را دنبال می‌نماید که لزوماً ملاحظات مالی در این مجموعه از اولویت لازم برخوردار نیست. بدین ترتیب با وجود تسهیلات تکلیفی طبعاً نمی‌توان انتظار داشت که از منابع موجود بانکها حداکثر استفاده بعمل آید و سود دهی بانکها در این عملیات در حد مطلوبی باشد. زیرا بر اساس مقررات تبصره‌ها و قوانین مزبور بخش عمده‌ای از تسهیلات تکلیفی با حداقل سود پرداخت می‌شود و حتی در مواردی این نرخ برای برخی از تسهیلات بسیار پایین‌تر از هزینه تمام شده پول در بانکها تعیین شده است و لذا اعطای این قبیل تسهیلات در مجموع زیان قابل توجهی برای بانکها در بر خواهد داشت و نهایتاً مانده سود و زیان بانکها تحت تأثیر زیان ناشی از عملیات فوق‌الذکر قرار می‌گیرد این امر صرف نظر از آن که موجب کاهش کارایی نظام بانکی است و به تدریج مشتریان عادی بخش خصوصی را از دسترسی به تسهیلات بانکی مورد نیاز محروم می‌سازد موجب تحمیل و انتقال زیان به سپرده‌گذاران خواهد شد زیرا با توجه به تلقی برخی از استفاده‌کنندگان از تسهیلات تکلیفی خصوصاً در موارد مربوط به حوادث غیر مترقبه که اعطای اینگونه تسهیلات را کمک بلاعوض دولت تلقی می‌نمایند و خود را مکلف به بازپرداخت تسهیلات مورد استفاده نمی‌دانند بخش عمده‌ای از مطالبات ناشی از اعطای اینگونه تسهیلات معوق و لاوصول می‌گردد و این امر کاهش سود بانکها را به دنبال خواهد داشت.

علاوه بر موارد فوق بعضاً بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران نیز با بخشنامه‌هایی به بانکها ابلاغ می‌نماید استفاده از برخی ابزارهای قانون را محدود می‌نماید. بطور مثال می‌توان به بخشنامه سال ۱۳۷۴ اداره نظارت بر بانکها اشاره نمود، به موجب بخشنامه مذکور به لحاظ این که در اکثر موارد بانکها پس از اقدام به مشارکت حقوقی و اعطای تسهیلات جهت پروژه‌ها و طرحها تقاضای کسب مجوز برای افزایش سقف تسهیلات اعطایی را می‌نماید و عملاً در مقابل کار انجام شده قرار دارند مقرر نموده است.

۱- به منظور ایجاد فرصت لازم برای مشارکت بیشتر بخش خصوصی در اجرای طرحها، لازم است بانکها از مشارکت‌های حقوقی و سرمایه‌گذاریهای جدید خودداری نموده و بعلاوه از افزایش سهم خود در مشارکت‌های حقوقی موجود نیز حتی الامکان خودداری نمایند.

۲- در تأمین اعتبار طرحها و پروژه‌های تولیدی جدید کاهش مشارکت خود و افزایش آورده

مجریان و سایر شرکا مدنظر قرار گیرد.

۳- در مورد طرحها و پروژه‌هائی که تسهیلات بانکی مورد نیاز بیش از حد مصوب فردی می‌باشد، لازم است گزارش توجیهی لازم برای دریافت مجوز به بانک مرکزی ارائه شود.

۴- با توجه به محدودیتهای مقرر در قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و قانون بودجه، لازم است آن بانک با مدنظر قرار دادن تعهدات قبلی خود در پروژه‌ها و تسهیلات تکلیفی، منابع و مصارف خود را بنحوی تنظیم نماید که ضمن تسویه اضافه برداشت خود را از حساب بانک مرکزی، رعایت سقف مصوب تسهیلات اعطائی در بخشهای خصوصی و دولتی را بنماید. بانکها مجاز به تبدیل مطالبات خود از شرکتهای سهامی باشند.

همانگونه که قبلاً نیز عنوان شد است سرمایه‌گذاری مستقیم و مشارکت حقوقی از ابزارهای مالی بلند مدت هستند و دقیقاً بجای اعتبارات بلند مدت در بانکداری بین‌المللی قرار می‌گیرد و از ابزارهای مالی بسیار مهم در تأمین مالی بلند مدت بخش تولید و صنعت به شمار می‌آیند و طبق مقررات قانونی عملیات بانکی بدون ربا و آئیننامه‌های مربوط بانکها می‌توانند به منظور گسترش فعالیت بخشهای مختلف تولیدی، بازرگانی و خدماتی قسمتی از سرمایه مورد نیاز شرکتهای سهامی را که برای امور مذکور تشکیل شده یا می‌شوند، تأمین نمایند و همچنین بانکها می‌توانند سرمایه لازم جهت اجرای طرحهای تولیدی و عمرانی انتفاعی را بصورت سرمایه‌گذاری مستقیم تأمین نمایند.

بنابر مراتب فوق و با توجه به اینکه:

۱- طبق مقررات قانون عملیات بانکی بدون ربا و آئین‌نامه‌های اجرایی مربوط، بانکها می‌توانند تمام یا قسمتی از سهام خود را در شرکتهایی که از طریق سرمایه‌گذاری مستقیم و مشارکت حقوقی ایجاد شده‌اند را پس از رسیدن به مرحله بهره‌برداری برای فروش به عموم عرضه نمایند؛

۲- مشارکت حقوقی و سرمایه‌گذاری مستقیم که دقیقاً به جای اعتبارات بلند مدت در بانکداری بین‌المللی قرار می‌گیرند از ابزارهای بسیار مهم بانکی بشمار می‌روند؛

۳- سرمایه‌گذاری مستقیم و مشارکت حقوقی که از محل سپرده‌های اشخاص نزد بانکها تأمین می‌شود به نوبه خود ایجاد فرصت لازم برای مشارکت بخش خصوصی در اجرای طرحها است؛

دلایل عنوان شده در بخشنامه برای عدم استفاده از این ابزار ضمن آنکه مستلزم کسب مجوز قانونی است منطقی نیز بنظر نمی‌رسد و ضرورت دارد بانک مرکزی سریعاً نسبت به موضوع اتخاذ تصمیم نماید. در صورت ادامه مقررات بخشنامه مذکور، به منظور تأمین مالی طرحهای

بلند مدت بانکها با انعقاد قراردادهای متعدد، بخشهای مختلف طرح را از طریق عقود زیر تأمین مالی می‌نمایند:

ماشین آلات و تأسیسات طرح از طریق عقد فروش اقساطی، احداث ساختمانها و بناهای اداری از طریق مشارکت مدنی، و سپس فروش اقساطی، سرمایه در گردش واحدها از طریق خرید مواد اولیه و فروش اقساطی و پیش خرید محصولات آنها از طریق عقد سلف. نظر به اینکه استفاده از این روش دارای مشکلات عدیده‌ای است، بطور مثال استفاده‌کننده از تسهیلات باید اقساط متعدد را بطور همزمان و بعضاً قبل از راه‌اندازی واحد تولیدی به بانک پرداخت نماید، برای هر یک از عقود باید قراردادهای جداگانه تنظیم شود، در نتیجه راه‌اندازی طرح و بازپرداخت تسهیلات دریافتی به تعویق افتاده و افزایش بی‌مورد هزینه‌ها و زمان بهره‌برداری طرح‌ها را به دنبال خواهد داشت. در صورتیکه با انعقاد قرارداد مشارکت حقوقی کلیه امور در چهارچوب عقد مزبور انجام شده و بازگشت سرمایه بشکل مطمئن تری انجام می‌شود.

بخش ششم

نتیجه‌گیری:

بشرحی که گذشت در مقررات قانونی عملیات بانکی بدون ربا، نرخ مشخصی برای سود معاملات بانک وجود ندارد، میزان سود در هر معامله تابعی از نتایج همان معامله است. بطور مثال در مضاربه و مشارکت مدنی (در بخش بازرگانی) بانک با توجه به شرایط معامله و بررسی بازار اقدام به انجام معامله می‌نماید و از آنجا که وقتی بانک معامله را تأمین مالی می‌نماید مالک کالای موضوع معامله است و ضرورت دارد، موارد مختلف را بررسی و در سودآورترین آنها شرکت نماید، بنابراین نهایتاً تصمیم‌گیری بانک در خصوص ارزیابی و انتخاب طرح در سودآوری بانک مؤثر خواهد بود و نحوه عملکرد بانک در سایر معاملات نیز به همین نحو می‌تواند در سودآوری بانک تأثیر داشته باشد. بطور مثال در مشارکت حقوقی طبیعت معامله به شکلی است که بانکها معمولاً سهام خود را در قالب شرکتهای سرمایه‌گذاری نوعاً در بورس اوراق بهادار تهران به عموم عرضه می‌نمایند و قیمت واگذاری نرخ روز بازار خواهد بلکه ممکن است این نرخ بالاتر از نرخهای سود مورد انتظار و یا کمتر از آن باشد. در هر حال سود و یا زیانی است که باتوجه به عملکرد بانک بوجود آمده است و این نحوه معامله بسیار عادلانه است. در این معاملات بانک سود متعارف عملیات خود را دریافت مینماید و در نتیجه سپرده‌گذاران نیز می‌توانند از مزایای این قبیل واگذار بها بهره‌مند شوند. در واقع این روش یکی از راه‌های عمده آزادسازی نرخ در صنعت و تولید است. زیرا بازده با تأثیر تمام عوامل و متغیرهای اقتصادی و صنعت و محیط حاصل

می‌شود و در هر صنعت و حتی در مورد یک صنعت به لحاظ شرایط متفاوت ممکن است سودهای متفاوت حاصل شود.

لکن در بعضی از معاملات به دلیل فقد اطلاعات بانک، بخصوص در بخش خدمات، همیشه به حداقل سود اکتفا کرده و سود واقعی را دریافت نمی‌نمایند. و در صورتی که مشکلات مذکور در عقود مختلف مرتفع گردد، نرخهای سود اصولاً بر خلاف تلقی عمومی آزاد است «و آزادسازی در نرخهای سود» به شرح مندرج در عناوین سمینار آزادسازی از قیود و موانعی است که خود در راستای صحیح قانون عملیات بانکی بدون ربا به وجود آورده‌اند. در صورتیکه ابزارها از قیود آزاد شود نرخها باتوجه به شرایط و مقتضیات اقتصادی جامعه تبلور می‌یابد.